

بسمه تعالی

1- آیا شیوه کنونی هدفمند کردن یارانه‌ها را قبول دارید؛ چرا؟

فکر می‌کنید بهترین روش اجرای هدفمند شدن یارانه‌ها در شرایط کنونی و در سال 89 چه بود؟

اگر شما در سال 89 رئیس جمهور بودید هدفمندی را چگونه و از کجا آغاز می‌کردید؟

با توجه به اهمیت موضوع هدفمند کردن یارانه‌ها و فراگیری ابعاد اقتصادی و اجتماعی آن، لازم است سه ملاحظه مورد توجه قرار گیرد. اول اینکه اوضاع اقتصادی و اجتماعی پیش‌روی کشور در زمان اجرای سیاست که حداقلی از ثبات اقتصادی و اجتماعی پیش‌نیاز حیاتی اجرای سیاست‌های کلیدی و شرط لازم برای موفقیت و کاهش آسیب‌پذیری حاصل از آن است. ملاحظه دوم با توجه به اهمیت مسئله انرژی و نقش آن در رفاه، امنیت و توسعه اقتصادی ضرورت اینکه هر سیاست انرژی باید در راستای اهداف مشخصی از قبیل دسترسی عمومی آسان به انرژی، امنیت تأمین انرژی و استفاده از انرژی در راستای توسعه اقتصادی باشد. و ملاحظه سوم اهمیت توجه اکید به رفاه گروه‌های آسیب‌پذیر از اعمال سیاست‌ها و پلکانی بودن قیمت‌ها ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. صرفاً با رعایت ملاحظات فوق می‌توان ادامه هدفمندی را مورد پیگیری قرار داد.

مطابق قانون هدفمندی قرار بود به تولید کنندگان نیز همانند خانوارها یارانه نقدی پرداخت شود تا با مدیریت هزینه‌ها تولید کنندگان نیز برای صرفه جویی در مصرف انرژی روش تولید خود را اصلاح و روزآمد نمایند. هرگونه کمک دیگر از قبیل وام با سود ترجیحی و کم، این اثر را روی اصلاح روش‌های تولید ندارد.

همچنین صراحت ماده 7 قانون اجازه پرداخت یارانه یکسان به همه را نداده لیکن گروه‌های برخوردار و خارج از کشور هم، یارانه گرفته‌اند درحالی‌که یارانه به تولید تعطیل شد و جهت خالی نبودن عریضه و متعاقب انتقادات مقداری کمی که بیشتر آن پس از استنکاف از پرداخت قبوض توسط کارخانجات، به صورت کمک پرداخت برای قبوض، کمک شد. عملاً اراده‌ای برای اجرای جامع قانون مشاهده نشد و می‌بایست برای دستیابی به اهداف قانون در مرحله اول ابتدا بانک اطلاعاتی تهیه و کامل می‌شد و دهک‌های مستحق دریافت مشخص و اگر به دلیل جا انداختن این طرح عظیم ملی به همه پرداخت گردید بایستی پس از چند ماه گروه‌های بالای درآمد با انواع پایگاه‌های داده‌های

مشخص نظیر حقوق و مزایای کارکنان دولت، کارکنان مؤسسات عمومی و نهادهای کارکنان بنگاه‌ها و اشخاص خصوصی، واردکنندگان عمده و... به راحتی قابل دسترسی است و طراحی لازم را می‌خواهد. طبق قانون پرداخت‌ها بایستی در حد منابع حاصل از طرح هدفمندی می‌بود ولی در عمل پرداخت نقدی دو برابر منابع صورت گرفت و کسری در اشکال مختلف خود را نشان داد!

2- پرداخت نقدی یارانه‌ها را عادلانه و منطقی می‌دانید؟ لطفاً کمی هم درباره رابطه یارانه نقدی و عدالت توضیح دهید؟ (پرداخت یارانه نقدی به چه میزان جامعه را به عدالت نزدیک کرده است؟)

مقام معظم رهبری دو پایه اقتصاد را افزایش ثروت ملی و گسترش عدالت و رفع محرومیت بیان فرموده‌اند که گسترش عدالت و رفع محرومیت در گرو افزایش ثروت ملی است. رشد تولید به عنوان عامل افزایش ثروت ملی بخشی از اهداف طرح هدفمندی یارانه‌ها بوده است. صندوق بین‌المللی پول همواره بر حذف یارانه‌ها توصیه می‌کرد ولی در عمل طرح‌هایش شکست می‌خورد و با بحران‌های سیاسی نیمه‌کاره می‌ماند. در تجربیات جهانی حذف یارانه‌ها با تغییر دموگرافی اقتصادی موجب تغییر دموگرافی سیاسی و سرنگونی دولت‌ها گردیده است ولی طراحی ایران با پرداخت نقدی نارضایتی و مخالفت‌ها را به همراهی تبدیل کرد که پدیده‌ای جدید و موجب تمجید جهانی بوده است. طبق آمارهای ضریب جینی پس از اجرای طرح، نتیجه هدفمندی مثبت و جامعه را به عدالت اجتماعی نزدیک کرد ولی با نقص در اجرا و رکود در تولید و سیاست‌های مالی انبساطی و عدم توجه سیستم بانکی به بخش تولید آثار مثبت آن محدود گردید.

3- دولت قرار است فاز دوم را تا پایان سال 92 مسکوت بگذارد. فکر می‌کنید چه زمانی برای اجرای فاز دوم هدفمندی مناسب است؟ اجرای فازهای بعدی چه پیش شرط‌هایی می‌خواهد؟ آیا اجرای فاز دوم در شرایط تحریم امکان‌پذیر است؟ لطفاً تشریح کنید:

دولت تا کنون برنامه‌ای ارائه نداده است. قبل از اجرای فاز دوم باید یک مجموعه بانک اطلاعاتی قوی و بهنگام با خاصیت بروز سازی مستمر ایجاد گردد. فارغ از شرایط تحریم یا غیر تحریم معیار مهم این است که اقشار ضعیف به واسطه بانک اطلاعاتی جامعه هدف دریافت مشوق مصرف صرفه‌جویانه (یارانه) باشند و با اصلاح در فرایندها و روشها منابع در نهایت در خدمت سرمایه‌گذاری و شکوفائی اقتصاد ملی قرار گیرد. این موضوع حتی در شرایط غیرتحریم و در چارچوب یک اقتصاد مقاومتی به شکل هوشمندانه و خردمندانه و غیرسیاسی بایستی محقق شود ضمن اینکه در اثر اجرای طرح

هدفمندی در شرایط تحریم کمک شایانی به رفتارسازی مصرف و کمک شایانی به مقابله با دشمن که منتظر به ثمر نشستن تحریم‌های فلج‌کننده بودند، شد. زیرا با تداوم روند مصرف در انواع حامل‌های انرژی هزینه‌های ارزی کشور به شدت بالا می‌رفت و امر صادرات انرژی برق غیرممکن می‌نمود و بحران شدیدی در زمینه آب متصور بود.

4- اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها چه تأثیری بر مسکن، نظام بانکی، بازار سرمایه، تجارت خارجی و تولید (صنعت و کشاورزی) خواهد داشت؟ لطفاً برای هر یک از موارد مفصل توضیح دهید.

پرداخت سهم یارانه به تولید آن هم برای کارآمدی مصرف در تولید و تغییر لازم در تکنولوژی باید صورت پذیرد و اگر نظارت، کنترل و ارزیابی قیمت‌ها تقویت شود و تسری دومینویی قیمت‌ها و انتظارات تورمی مهار شود به نفع اقتصاد ملی است. به طور کلی صنایع باید تابع هدف کاهش مصرف انرژی خود را وفق دهند. با اجرای فاز بعدی و رعایت کمینه سازی هزینه تمام شده و تغییر و اصلاح روش تولید، تجارت خارجی نیز به نفع ما خواهد بود و کالاهای ما از نظر کیفی و کارایی هزینه، رقابتی‌تر خواهند شد. به شرطی که دولت نیز در این راستا در یک دوره گذار با استفاده از ابزارهای حمایتی از قبیل تعرفه و سود بازرگانی از تولید داخلی حمایت نماید. نه اینکه طبق معمول دولتها برای مقابله با رشد تورم برعکس منافع ملی، هم‌زمان واردات بی‌رویه را بر ضد تولید ملی، رواج دهند (واردات انواع میوه‌ها در دولت گذشته). نگاهی به مطبوعات نشان‌دهنده آنا‌رشی خبری و سیاست‌های تجاری ضدمنافع ملی حتی برخی از مسئولین می‌باشد! بنابراین ملاحظه می‌نمائید که این پیش‌نیازها ضرورت موفقیت هدفمندی می‌باشد و در صورتیکه در اجرا ضعف یا سلاقی و نگاههای گروه‌گرایانه حاکم شود هر طرحی به شکست می‌انجامد.

5- مهم‌ترین دلیل دولت برای تغییر شیوه هدفمندی چیست؟ راهکارهای کوتاه مدت (مسکن وار)، میان مدت و بلند مدت را چه می‌دانید؟

در شرایط فعلی مشکل تامین منابع به دلیل عدم انطباق دریافتی و پرداختی مطرح است. در کوتاه مدت حذف پردرآمدها با استفاده از منابع اطلاعاتی موجود مقدور است و در بلند مدت باید بانک اطلاعاتی تکمیل و به شیوه تدریجی سایر افراد برخوردار نیز حذف شوند. رویکرد بلند مدت باید بر اساس معیار پرداخت به اقشار ضعیف و کم مصرف به شیوه پرداخت نقدی به مصرف‌کننده و هم به کارآئی مصرف در تولید و طبق قانون باشد.

اما نقص بزرگ هدفمندی تمسک به شوک درمانی و شوک زنی به اقتصاد است و میخکوب کردن قیمت حاملهای انرژی به 90% و 75% قیمت‌های جهانی (که متغیر خارجی) و نیز میخکوب نمودن آن به ارزش روز دلار (که متأثر از سیاستهای اقتصادی و تورم و تحریم مرتباً کاهش ارزش می‌یابد) است چرخه افزایش قیمت حاملها افزایش تورم و افزایش دلار و اثر القائی یارانه‌دار شدن قیمت سوخت و ضرورت افزایش مجدد حاملها در ذات خود معیوب است. به‌طور مثال در ابتدای هدفمندی 40% قیمت جهانی سوخت در داخل عرضه شد و هم اکنون با کاهش رادیکال ارزش پول ملی و افزایش قیمت ارز، حدود 10% قیمت‌های جهانی سوخت عرضه می‌شود. پس در بلندمدت از شوک‌درمانی بایستی اجتناب و در چارچوب اصل تدریج عمل کنیم و هم‌چنین با سیاست‌های معطوف به مهار تورم هم در طرف تقاضا هم در طرف عرضه (با سیاست‌های گوناگون تولیدمحوری اقتصاد ملی) به تدریج هدفمندی را اجرا کنیم و به هر حال با کمک به اقشار ناب‌خوردار تحمل‌پذیری آنان را بالا ببریم.

6- مسؤلان دولتی در ماه‌های اخیر بارها اذعان کرده‌اند که دیگر نمی‌توانند با روش‌های کنونی هدفمندی را ادامه دهند لذا باید شیوه اجرای هدفمندی تغییر کند؟ حضرتعالی چه شیوه‌ای را برای ادامه هدفمندی مناسب می‌دانید؟

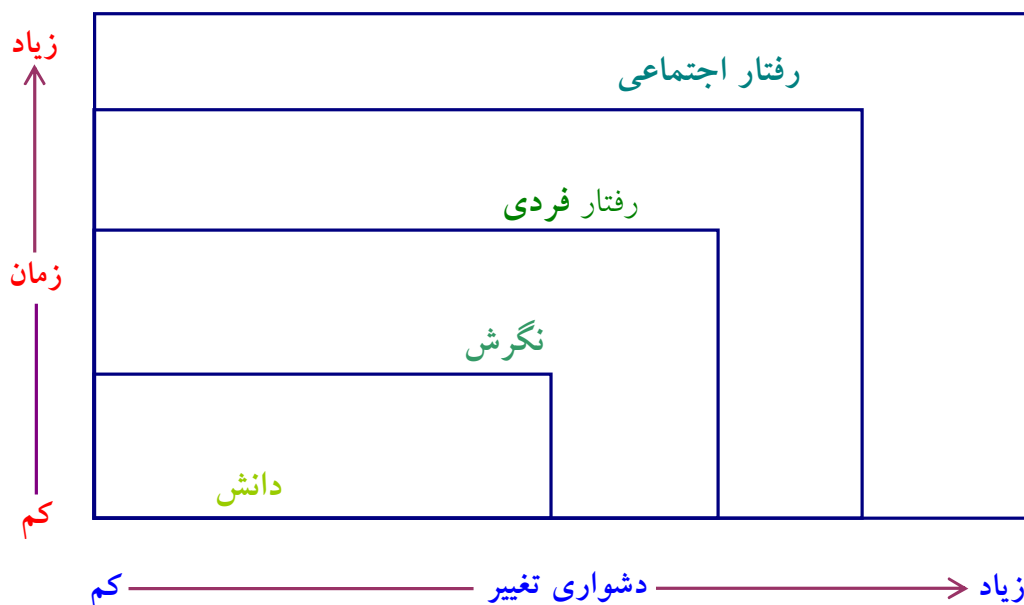
پرداخت نقدی همچنان می‌تواند با هدف حمایت از کم‌مصرفان و ضعفا و تولید ادامه پیدا کند. در حال حاضر نیز باید جریمه‌ای بر مصرف غیرمعارف خانوارهای مسرف وضع گردد و در کنار این برنامه اقشار پردرآمد و ثروتمند شناسایی و از فهرست دریافت‌کنندگان یارانه حذف شوند. چارچوب آن را در جدول زیر آورده‌ام که یک نگاه بلندمدت به ساختار هزینه خدمات در یک جامعه می‌تواند باشد.

1	قیمت تمام شده + سود + مالیات	مصرف مسرفانه
2	قیمت تمام شده به اضافه سود	مصرف غیرمعارف (بیش از حد 3)
3	قیمت تمام شده	مصرف طبق حداقل طراحی شده + یک میزان کارشناسی
4	قیمت یارانه‌ای	مصرف صرفه‌جویانه (در حد حداقل طراحی شده)
5	رایگان	مصرف پایین‌تر از حداقل طراحی شده (محرومان)

برای سرعت دادن به این روند تغییرات در **بعد رفتاری و فرهنگی** مطرح است ضمن اینکه در **ابعاد ساختاری** مقرراتی وضع شود که مشوق صرفه‌جویی و محدودکننده اسراف باشد، هر کسی که در جامعه به سمت اسراف می‌رود باید هزینه‌های بیشتری بپردازد. برای مثال استفاده از رویکردهای پلکانی یارانه‌ها و تبعیت از روش فوق می‌تواند عناصر کارآئی، صرفه‌جوئی و عدالت و جلوگیری از افزایش گسترده قیمت‌ها را در بر داشته باشد. در **بعد زمینه‌ای** نیز باید زیرساختهای لازم برای صرفه‌جویی و دوری از اسراف از قبیل بازنگری در روش‌های حمل و نقل، مقوله ترافیک، تأمین ارتباطات و اطلاعات و دولت الکترونیک و غیره فراهم شود.

7- یکی از شیوه‌هایی که برخی از کارشناسان و خود دولتی‌ها برای ادامه هدفمندی پیشنهاد داده‌اند کاهش تعداد یارانه بگیران است. چطور می‌شود با کم‌ترین هزینه اجتماعی - اقتصادی - سیاسی تعداد یارانه بگیران را کاهش داد؟ به چه روش‌هایی؟

اگر اطلاعاتی که به مردم داده می‌شود از طرف مردم باور شود تبدیل به نگرش آنها خواهد شد. (شرط لازم باور دانش انطباق آن با عمل است، کسانی که دانش می‌دهند خود باید از عاملان جدی و اساسی آن باشند) نگرش مبنای رفتار فردی است و اگر رفتار آحاد جامعه اصلاح شد آنگاه تبدیل به رفتار اجتماعی و فرهنگ و ارزش اجتماعی می‌شود که به نوبه خود رفتار گروه‌ها و جامعه را شکل می‌دهد.



معمولاً سروصدا و ادعای پرمصرفها و ثروتمندان بیشتر از مستضعفان است و در واقع با مصرف زیاد خدمات با تعرفه پائین بجای پرداخت قیمت تمام شده و مالیات آن همواره مطالبه رانت می‌کنند و دولت‌ها به دلیل نیاز به گرفتن رأی و انتخابات تحت تأثیر سروصدای آنها می‌شوند. بنابراین حذف پنج دهک بالائی با داده‌های مختلف آماری موجود امکان‌پذیر است لیکن رخوت دستگاه‌های مسؤل موجبی برای انفعال نیست. پس از شناسایی و حذف ثروتمندان و برخورداران بدون نگرانی می‌توان سازوکاری ترتیب داد که بر خط بوده و هرکس به حذف اعتراض دارد و استحقاق خود را ثابت کند مجدداً در لیست قرار داده شود.

8- به نظر شما مهمترین ملاک برای شناسایی افراد چه باید باشد؟ برخی کارشناسان درآمدها را مهم‌ترین ملاک برای شناسایی می‌دانند و برخی دیگر نیز هزینه‌ها را؟ نظر شما چیست؟ چگونه باید درآمدها و هزینه‌های یک فرد و خانوار را شناسایی کرد؟

ملاک شناسایی باید تلفیقی از ثروت، درآمد و هزینه قرار گیرد. شناسایی درآمد از طریق درآمد حقوق کارمندان دولتی و نهادها و درآمد حقوق کلیه مدیران، کارشناسان و کارگران بنگاه‌ها و مؤسسات کشور از طریق کسورات تأمین اجتماعی و تطبیق اطلاعات بقیه آحاد با سایر پایگاه‌های داده‌ای آماری نظیر انواع بیمه‌ها انجام پذیر است. نظام مالیاتی در کشورهای توسعه یافته گردش مالی را در کنار سودآوری ملاک تشخیص مالیات قرار می‌دهند زیرا این رویکرد فرار مالیاتی را کاهش می‌دهد و می‌تواند به عنوان راهکار مکمل برای شناسایی مورد استفاده باشد.

شناسایی هزینه‌ها نیز از طریق نظام گسترش یافته مالیات بر ارزش افزوده و وضع مالیات منفی (استرداد مالیاتی به گروه‌های پائین درآمدی) وغیره امکان پذیر است. با تکمیل بانک اطلاعاتی به کمک تمامی فایل‌های موجود این مهم تحقق پیدا می‌کند ضمن اینکه راه تصحیح و تکمیل و بهنگام سازی، حذف و اضافه و شکایت و اثبات نیز باید مستمراً باز باید باشد.

9- تجربه کشورهای اروپایی در این باره چیست؟ مثال بیاورید؟

درباره این شیوه پرداختی (مدل هدفمندی) تاکنون موردی بنده یافت نکرده‌ام. ولی یارانه بخصوص حمایت از تولید با روشهای مختلف آن سابقه دویست ساله دارد. تأمین اجتماعی نیز در کلیه کشورهای پیشرفته رایج است.

10- روش‌های تشویقی برای انصراف داوطلبانه مردم از یارانه نقدی چیست؟

این امر نیاز به کار فرهنگی وجود دارد. یک راه آن عمل کردن مسئولان است تا دیگران به ایشان نیز تاسی نمایند. در کل روش داوطلبانه تأثیر محدودی دارد و نظامات آماری و سیستم‌سازی راه‌چاره است.

11- پیامدهای اجتماعی - سیاسی حذف یارانه نقدی را تشریح کنید؟ (مخاطرات تغییر در شیوه کنونی هدفمندی؟)

یکی از آثار مفید این طرح مشاهده عمل به قول توسط دولت در پرداخت یارانه نقدی بود که موجب حمایت مردم شد. لذا حذف یارانه نقدی تبعات گسترده اجتماعی و شبهه تعطیلی طرح را دارد. مجدداً تأکید می‌کنم تجربه جهانی حذف یارانه‌ها در جهان شکست خورده و در ایران هدفمندی با حذف یارانه‌ها نیز محکوم به شکست است و سیاست‌های شوک‌درمانی محکوم به شکست است و اینجانب قویاً معتقد به اصل تدریج هستم.

12- پیامدهای اجتماعی - سیاسی کاهش تعداد یارانه بگیران را تشریح کنید؟

اگر قیمت‌گذاری هزینه‌های خدمات موضوع هدفمندی را پلکانی انجام دهیم پیامدها را حداقل و همراهی اجتماعی را افزایش داده‌ایم. با باز گذاشتن بانک اطلاعاتی که مستمراً اصلاح تکمیل و بروز می‌شود و با اجازه دادن شکایت برای اثبات استحقاق و تبلیغ بسیار پررنگ این راه بازتاب حذف یارانه ثروتمندان و برخورداران را به حداقل می‌رسد. منابع مازاد می‌تواند صرف اهداف طرح از جمله بهبود خدمات بهداشت و درمان گردد.

13- به نظر شما نهادهای درگیر در طرح شناسایی افراد فقیر از ثروتمند کدام نهادها و سازمان‌ها باید باشند؟ آیا در کشورهای دیگر مرکز آمار این کشورها اطلاعات اقتصادی خانوارها را دریافت و

استخراج می‌کنند؟ اطلاعات حقوقی - مالیاتی و ... مردم چگونه باید استخراج شود؟

سازمان هدفمندی باید سفارش دهنده و مرکز آمار باید بانک آماری لازم را با کمک فایل‌های متعدد موجود کامل و مستمراً به عنوان مجری طرح و پیمانکار بانک اطلاعاتی را به طور مستمر به‌نگام و کامل کند. سازمان هدفمندی نیز باید مدیریت و پیاده‌سازی طرح را با استفاده از این بانک به عهده داشته باشد. شفافیت در اطلاعات در غالب کشورهای پیشرفته اقتصادی برای استفاده دولت و

حاکمیت وجود دارد ولی انتشار عمومی آن جرم است. مع الوصف در این حوزه مغالطه‌های فراوانی صورت می‌گیرد تا هیچ کاری انجام نشود. شفافیت رمز و راز رشد اقتصادی است.

14- در گذشته برای بسیاری از مردم پرداخت نقدی یارانه‌ها از لحاظ ارزش اهمیت زیادی داشت؛ اما الان با کاهش قدرت خرید مردم و تغییرات گسترده در حوزه افزایش سطح عمومی قیمت‌ها مبلغ نقدی ارزش واقعی خود را از دست داده است. لطفاً ابتدا بفرمائید آیا سیاست‌های باز توزیعی اثر بخشی خود را از دست داده؟ ثانیاً در صورت امکان 45 هزار تومان سال 89 را با رقم مذکور در سال 92 و 93 مقایسه کنید؟

مصرف‌کنندگان باید متناسب با تجاوز از الگوی مصرف خود هزینه اسراف خود را پردازند و صرفاً افرادی که زیر الگو و یا در حد الگو مصرف می‌کنند تشویق کم‌مصرفی خود را بگیرند. هدف اصلی طرح هدفمندی باز توزیع درآمد نیست بلکه این یارانه کمکی است که به تناسب یک مصرف معقول برای خرید انرژی یا خدمات دیگر پرداخت می‌شود و از تبعات آن باز توزیع درآمد است. این در حالی است که در کشورهای غربی با برنامه‌های ریاضتی به جای جبران کاهش قدرت خرید کارمندان، برخی از کارمندان و کارگران را تعدیل و حتی اخراج می‌کنند و لذا افت قدرت خرید بایستی با تحریک طرف عرضه و اصلاحات در اقتصاد ملی بویژه توجه به تولید و بخش واقعی اقتصاد چاره‌جویی شود نبایستی در دام جبران قدرت خرید در یارانه‌ها حقوق کارکنان و تمام مزدبگیران مطابق تورم بیش از سی درصدی باشیم زیرا دچار کسری‌های عظیم بودجه که به نوبه خود تورم‌زاست، می‌شویم و سپس در نقطه بالاتری از تورم می‌ایستیم. پس بایست اولویت ما اتخاذ تدابیری در سیاست‌های کلان که ناظر به محدود کردن تورم باشد توجه‌داشته باشیم با سیاست‌های مالی انبساطی و نیز سیاست پولی غیرتولیدمحور اقتصاد ایران راه به جایی نمی‌برد و تورم بالا کلیه طرح‌ها و برنامه‌ها را مختل می‌سازد. کاهش ارزش یارانه‌ها معلول تورم است و به جای تمرکز روی معلولها بایستی ریشه تورم را خشکاند تا با افزایش پی در پی قیمت‌ها به مستضعفین و گروه متوسط فشار وارد نشود. می‌باید مسابقه خطرناک نظام بانکی در افزایش نرخ سود سپرده‌گذاران در قبال افزایش بی‌رویه سود پرداختی گیرندگان وام که موجب عجز و انصراف تولیدکنندگان از تأمین مالی و در نتیجه پدیده رکود تورمی را متوقف کنیم. منابع بانک‌ها برای اقتصاد ملی و اولویت‌های آن هستند و نباید به اسم

خصوصی سازی عمده بانک‌ها عبور از سیاست‌های اقتصادی را عادی و با دامن زدن به تورم بنیانه‌های تولید و اقتصاد ملی را به تدریج تخریب و فعالیت‌های سوداگرانه و سفته بازانه را در بطن برخی عقود جدید بانکی تشویق نمود. بانکهای ما دچار جابجائی رادیکال اهداف خود شدند و بایستی یک خود ارزیابی و خود انتقادی از خود داشته باشند زیرا تداوم وضعیت موجود امکان پذیر نیست. ضمن اینکه بخش نظارتی بانک مرکزی در برنامه تلویزیونی ثریا نقش نظارتی برای خود و رصد سیاست‌های پولی قائل نیست و سیاست‌های پولی برای بانکهای خصوصی را که بیش از 66 درصد سیستم بانکی را تشکیل می‌دهند، توصیه می‌داند و صراحتاً توصیه‌ها را غیرقابل نظارت تلقی و شورای پول و اعتبار را مقصر می‌داند اصولاً در تفکر حاکم بر بانکداری مرکزی فلسفه بانکداری بدون ربا مورد غفلت قرار گرفته و بر خلاف بند «ه» سیاست‌های کلی اصل 44 که ضرورت نظارت بر بانکها و وظایف حاکمیتی را تأکید می‌کند بانک مرکزی چهره مسئولیت دو سه بانک تجاری باقیمانده دولتی و بانک‌های توسعه‌ای و تخصصی دولتی را به خود گرفته است و بانکهای دیگر به دلیل بیش بود سود از این موقعیت طلائی نهایت استفاده را برده و نه تنها نقش ضدتورمی با تولیدمحوری ندارند بلکه برخی از آنها نقش تورمزائی را ایفا می‌نمایند.

15- تأثیر افزایش قیمت حامل‌های انرژی و اجرای گام دوم هدفمندی بر بنگاه‌های تولیدی و صنعت را تشریح کنید؟ تولید در فاز دوم چگونه باید حمایت شود؟ (پیشنهاد شما برای کمک به بخش تولید در فاز دوم چیست؟ واحدهای تولیدی چگونه باید کمک شوند؟)

در پرداخت یارانه نقدی نیز یارانه باید در جهت تغییر شیوه و اصلاح روش تولید با رویکرد کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری باشد. کمک به تولید و صنعت بحث تکراری و دل‌آزاری شده است که بایستی جهت تغییر الگوی مصرف مطابق سیاست‌های کلی الگوی مصرف به تغییرات تکنولوژیکی یارانه صنعت تخصیص یابد. این رویکرد می‌تواند اولویت پرداخت تسهیلات و نیز در چهارچوبهای مصوب شورای پول و اعتبار و در سیاست‌گذاری و ابلاغ آن به بانکها مورد تأکید ویژه قرار گیرد. در فاز دوم هدفمندی منابع تخصیصی به تولید بایستی به صنایعی که مطابق سیاست‌های صنعتی الگو، تأسیس و یا تغییر تکنولوژی می‌دهند در قالب تسهیلات ترجیحی، فاینانس خرید ماشین آلات و غیره داده شود لیکن پرداخت یارانه ای قابل آریترژ می‌تواند موجب انحراف از تولید گردد.

16- بررسی تورم هدفمندی از ابتدای آغاز طرح تاکنون چقدر بوده؟ و پیش‌بینی می‌کنید در صورت

اجرای دوم هدفمندی تورم چقدر افزایش یابد؟ سناریوهای احتمالی تورم را در صورت اجرای فاز

دوم تشریح کنید؟

اگر کل دریافتی قیمت حامل‌های انرژی مساوی پرداختی یارانه می بود به دلیل گردش متوازن دریافت و پرداخت اثر تورمی محدودی داشت ولی در عمل پرداخت یارانه دو برابر دریافتی در نظر گرفته شد؟ و حدود نیمی از منابع پرداختی از منابع دیگر تامین شده است. بعلاوه تورم انتظاری را نمی‌توان نادیده گرفت. بخشی از افزایش قیمت‌ها را باید به حساب عدم اجرای کامل طرح و نه «اجرای طرح هدفمندی» گذاشت زیرا همچنانکه ذکر شد یارانه بخش تولید پرداخت نشد که منجر به افزایش بهای تمام شده کالاها گردید. ولی با سیاست سرکوب قیمتی و افزایش بی‌رویه واردات در ابتدای طرح آثار تورمی طرح خود را نشان نداد ولی در مقابل دولت عملاً اجازه داد قیمت‌ها در چند مرحله افزایش یابد و در ادامه کلاً نظارت بر قیمت‌ها برداشته شد و تاکنون نیز شاهد آনারشی قیمتی هستیم البته ماده 102 قانون برنامه پنجم یک اشتباه استراتژیک بود که دولت را مخیر می‌کرد که هر عرضه‌کننده می‌تواند به هر قیمتی عرضه و نظارت بر قیمت عرضه شده توسط اتحادیه مربوطه صورت گرفته و مسئولیت هم با اتحادیه است در صورتیکه وظیفه ذاتی وزارت بازرگانی نظارت است و امور حاکمیتی مسئولیت پاسخگوئی را تعطیل نمی‌کند پس در شرایط مرحله بعدی هدفمندی انتظارات تورمی به شدت بالاست و با این روشهای ضدنظارتی و رهاسازی طرح را مواجه با مشکل می‌سازد. ملاحظه می‌فرمائید که اقتصاد یک مجموعه منسجمی از ساختارها، اجزاء و سیاست‌ها و مجریان است که اجرای یک طرح به عنوان یک جزء یا سیاست و مقررات مجزا مطرح نیست همین انتظارات تورمی را چگونه می‌توان محدود کرد برخی مجریان و مقررات‌گذاران در مورد رهاسازی قیمت‌ها کشورهای دیگر را مثال می‌زنند در حالی که در اقتصاد آزاد اهرم‌های نظارتی آهنینی نظیر مالیات بر ارزش افزوده جامع و نهادی شده دارند که اقتصاد زیرزمینی را کلاً به روی زمین آورده و به طور خودانتظام کلیه فرایندها و قیمت‌ها و درآمد بنگاهها و اشخاص حقیقی شفاف شده و انگیزه بالا بردن قیمت‌ها را به شدت محدود می‌نمایند. نتیجه می‌گیریم سناریوسازی در وضع موجود و در وضعی که مجموعه اقتصاد به صورت یکپارچه عمل نماید تفاوت‌های فاحشی دارد و اصولاً در اقتصاد ایران بسیاری طرح‌ها کم‌اثر می‌شود و ناامیدی ایجاد می‌کند ناظر به عدم وجود نگاه کلان، جامع و سیستمی است.

17- نظرتان درباره بن کالایی به جای یارانه نقدی؟

بن کالایی متضمن بهینه‌سازی مدیریت کمک هزینه دولت توسط خانوارهای نابرخوردار می‌باشد البته بن کالایی یک ابزار یارانه‌ای در جهت تقویت طرف عرضه و کاهش بار و فشار تقاضا در بازار و گرفتن فرصت از سوداگران در بازار پرتلاطم مواد غذایی است.

مزیت دیگر بن کالایی این است که مقداری است و با تورم، در عمل کاهش نمی‌یابد که دوباره بخواهیم یارانه را افزایش دهیم ضمناً به فرودست‌ترین اقشار اختصاص می‌یابد. به ویژه اینکه گروه خوراکی‌ها که حدود 70 درصد تورم داشته است.

در پایان باید بگویم اندیشه تولیدمحوری و کارآئی بایستی دستور کار باشد و دولت متکفل فراهم‌سازی دسترسی به حداقل معیشت مردم و بسترساز مشارکت گسترده عامه در امور اقتصادی در نظام مردم‌سالاری دینی است و این چارچوب بایستی حاکم بر روشهای به‌کار گرفته شده در فاز دوم هدفمندی باشد.